

دوره ششم تقنینیه

جلسه

۱۴۶

مذاکرات مجلس

شماره

۱۱۱

تاریخ تأسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه پنجشنبه ۲۰

شهریورماه ۱۳۰۶

مطابق ۲۵ ربیع الاول

۱۳۴۶

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

قیمه اشتراك

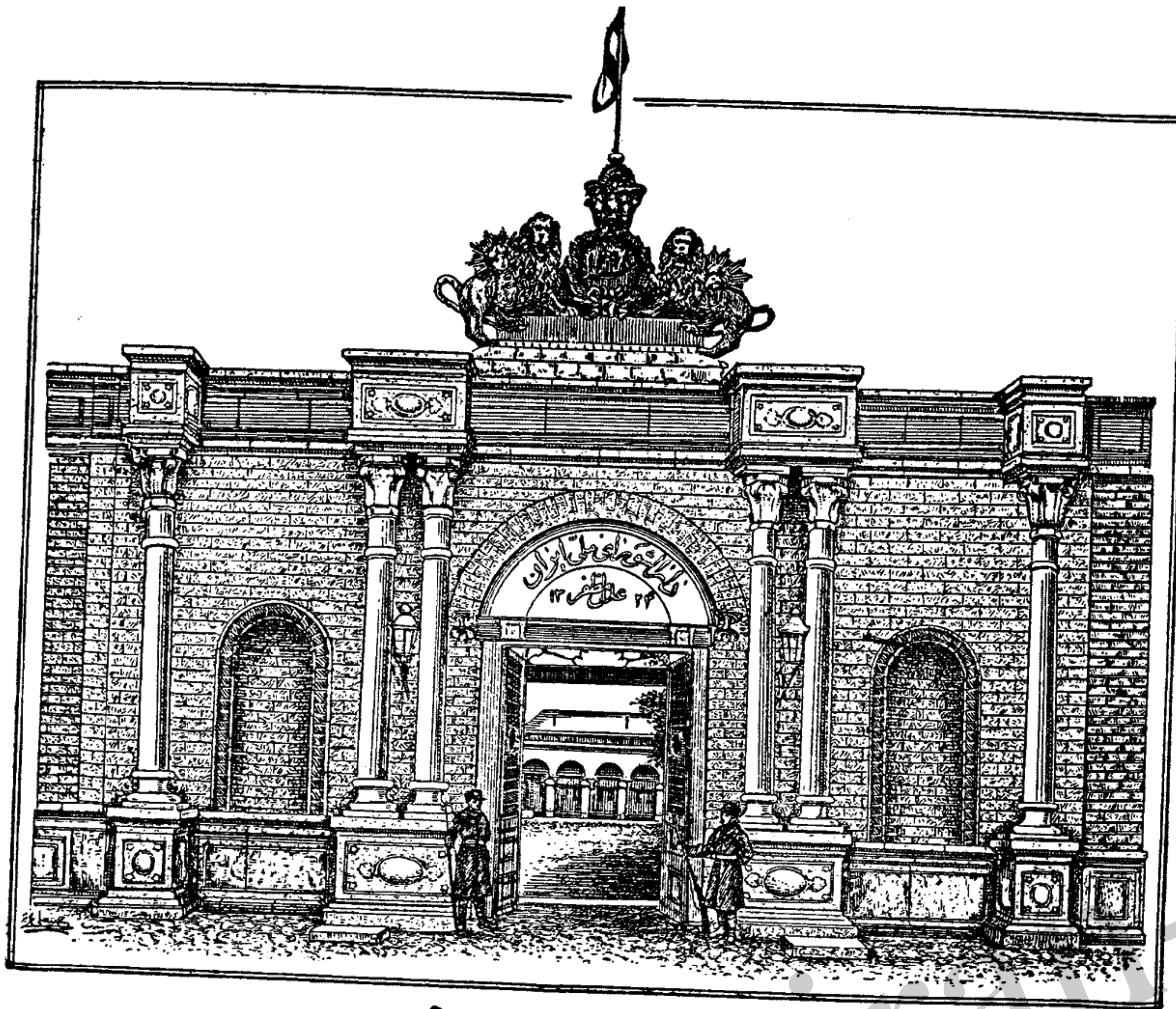
داخله ایران سالیانه ده تومان

خارجه « دوازده تومان »

قیمه تک شماره

یک قران

فهرست مندرجات



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنج شنبه ۳۰ شهریورماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۵ ربیع الاول ۱۳۴۶

جلسه ۱۴۶

(غائبین با اجازه جلسه قبل)

آقایان : دکتر سنگ - عراقی - امام جمعه شیراز

خطیبی - افشار - ضیاء - زارع - مهدوی

عباس میرزا - غلامحسین میرزا - فرمند - وزیري - وکیلی

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست)

آقای پیرنیا تشکیل گردید)

(صورت مجلس روز سه شنبه بیست و هشتم شهریور)

را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	اعلام لزوم انتخاب اعضای کمیسیون بودجه جدید و محاسبات مجلس از شعب شش گانه .	۲۲۹۸	
۲	مذاکره نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به شهریه علماء ساوجبلاغ و تصویب آن	۲۳۰۰	۲۳۰۲
۳	بقیه مذاکره و شورائی نسبت بخر کمیسیون داخله راجع بقانون بلدی از ماده ۱۶ الی ماده ۲۴	۲۳۰۲	۲۳۲۱
۴	قانون برقراری ۵۶۰ تومان مستمری در حق علماء ساوجبلاغ عوض عشریه سیزده فقره قراء و مزارع	۲۳۲۲	

تفه الاسلامی - اسکندری - عدل - جوانشیر - میرزا ابراهیم آشتیانی - دکتر لقمان - ملک آرائی - زعیم حاج شیخ عبد الرحمن - آیه الله زاده اصفهانی - میرزا یدالله خان دهستانی

(غائبین بی اجازه جلسه قبل)

آقایان: رفیع - اسدی - علی خان اعظمی - نظام مافی - باستانی - قوم شیرزی - محمد هاشم میرزا - آقا زاده سبزواری - حاج حسن آقا ملک - فرشی - حاج میرزا مرتضی - حاج غلامحسین ملک - امیر اسدالله خان میرزا محمد تقی بهار

(دیر آمده با اجازه جلسه قبل)

آقای اعتبار

(دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل)

آقایان: حاج علی اکبر امین - فهیمی - شریعت زاده میرزا حسن خان وثوق - موقر

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - عرض کنم که در صورت مجلس بنده را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده کسالت داشتم هنوز هم کسالتم باقی است و تلگرافاً هم از مقام منیع ریاست اجازه خواسته بودم تصدیق دکتر معالج را هم فرستادم و استدعا میکنم که ..

آقا سید یعقوب - متأسفانه مجلس رد کرد ببخشید حاج میرزا مرتضی - کمیسیون تصمیمی در اینخصوص بگیرد چون بنده مریض بوده

زوار - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

زوار - عرض کنم که ایشان تصدیق دکتر را آوردند بکمیسیون عرایض ولی چون کمیسیون قبلاً خبرش را داده بود و مجلس هم رد کرد لهذا کمیسیون نتوانست تصمیمی در اینخصوص بگیرد چون مخالف نظامنامه بود

رئیس - آقای حاج امین تربتی

ماده ۱۸ نظامنامه داخلی هر ساله باید کمیسیون جدید بودجه انتخاب شود همچنین کمیسیون محاسبات مجلس و این تجدید انتخاب میبایستی در چندی قبل بعمل آمده باشد ولی بدلائلی ممکن نشد امروز در موقع تنفس شعب باید تشکیل شوند و هر شعبه سه نفر برای کمیسیون بودجه و یک نفر برای کمیسیون محاسبات مجلس معین نمایند. کار کمیسیون جدید بودجه رسیدگی به بودجه سال ۱۳۰۷ است. آقای بیات

مرضی قلی خان بیات - بعقیده بنده چون مدت کمیسیون بودجه یک سال است و چون سالیانه است اگر در ۱۴ میزان انتخاب شود گمان میکنم بهتر باشد چون مطابق نظامنامه هم که نوشته شده دو دور باید انتخاب شود نظرش همین بوده است که در چهاردهم مهر انتخاب شود و حالا هم چون ۱۴ مهر ماه نزدیک است بنده عقیده ام این است که در همان موقع که هیئت رئیسه انتخاب میشوند کمیسیون بودجه که مال سال آتی است انتخاب شود و اینطور بترتیب نظام نامه هم گمان میکنم نزدیک تر باشد.

رئیس - نظامنامه هر دوره را تقسیم می کنند بدو دوره اجلاسیه و دوره اجلاسیه هم یک سال است. در ماه صفر گذشته دوره اجلاسیه شروع شد و این ماه صفر که گذشت دوره اجلاسیه دوم شروع شد معذک هر کدام را مجلس میل دارد البته همانطور عمل میشود.

ماده واحده راجع باقایان علماء ساوجبلاغ مطرح است.

(اینطور قرائت شد)

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است معادل پانصد و شصت تومان در سال در عرض عشریه سیزده فقره قراء و مزارع دریافتی علمای ساوجبلاغ از قرار جزو ذیل:

ملا احمد و ملا نجم الدین و عبدالرحمن بالتساوی

قران ۱۷۶۴
ملا عبدالله و ملا عبدالقادر بالمنافه ۱۳۷۹

ملا علی مفتی
ملا محمد مدرس و ملا احمد بالمنافه ۱۳۸۶
جمع ۵۶۰۰
بعنوان مستمری از ابتدای سال ۱۳۰۶ مادام الحیات از اعتبار شهریه و مستعربات در حق آقایان علمای ساوجبلاغ مذکوره فوق برقرار نموده و همه ساله به نرخ نومانیک بکثومان پرداخت نماید
رئیس - پیشنهادهای راجع بدستور شده است که قرائت میشود.

(اینطور قرائت شد)

این جانبان پیشنهاد میکنیم خبر کمیسیون بودجه راجع بتخصیص ۱۲۵ هزار نومان ببلدیه در درجه اول و ایضاً خبر کمیسیون بودجه راجع به تخصیص عایدات مستغلات طهران به بلدیه طهران در درجه دوم جزو دستور شود

محمد علی دولتشاهی - اعتبار - محمود رضا

رئیس - آقای اعتبار

میرزا سید احمد خان اعتبار - البته آقایان از گرفتاریهای مردم و بلدیه راجع بخرابی خیابانها مخصوصاً خیابان چراغ گاز که مالکین آنها دکانی داشته اند و آن دکان را چهار پنجاه قبل برای باز شدن خیابان خراب کرده اند مسبوق و مستحضر هستند. اخیراً بین مردم و بلدیه یک قرارداد هائی برای خرید املاک آنها بسته شده است که یک مبلغی برای آن املاک تخصیص بدهند و خراب کنند. چون بنده در خیابان چراغ برق سکنی دارم از وضع پریشانی مردم آنجا اطلاع دارم. بلدیه البته حاضر شده است این پول مردم را بدهد و جانب رضایت مردم هم فراهم شده است ولی این پول را باید محلی برای پرداختش معین کنند و مجلس تصویب کند محل پرداخت این پول هم همین لوایحی است که تقدیم شده است که یک فقره آن ۱۲۵ هزار نومان است که در کمیسیون بودجه

حاج امین تربتی - بنده را غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه حاضر بودم
رئیس - تحقیق میشود اگر اینطور است اصلاح میشود. صورت مجلس دیگر ایرادی ندارد؟
(گفتند خیر)

رئیس - آقای وزیر مالیه

وزیر مالیه - یک لایحه ایست از برای اینکه وزارت مالیه اجازه داشته باشد اعتباراتی که در لوایح اضافی تصویب شده است و در آخر خرداد میبایستی حسابش ختم شود و ختم نشده است در ۱۳۰۶ آنها را بجزریان بیندازد و با وزارت خانه ها محسوب کند یک لایحه دیگریست راجع به تعیین تاریخ شروع قبول دعاری افراد نسبت بدولت. چنانچه خاطر آقایان مستحضراست یک لایحه راجع بدیون دولت گذشته و اعتباراتی معین شده است ولی باید بالاخره یک تاریخی را ما معین کرده باشیم که آن تاریخ مبدء ابتکار باشد در این خصوص یک شرحی بعرض رسیده است که آقایان ملاحظه خواهند فرمود یک لایحه ایست راجع بیک فقره تصفیه حساب انصاری وزیر خارجه فعلی که مدتی بوده است بواسطه یک اشکالی که بین وزارت مالیه و وزارت امور خارجه و هیئت دولت راجع بوجود نبودن اسناد خرج در بین بوده است برای اینکه قضیه حل بشود در نحت یک ماده بمجلس شورای ملی پیشنهاد شده است که چنانچه تصویب شود اقدام شود. در خاتمه بنده خیلی متأسف هستم که در ضمن مذاکرات آقای کازرونی و فیروز آبادی یک مسائلی بود که توضیح شدنش خوب بود ولی چون خودشان میل نداشتند و مقصودشان اظهار مطلب بود و بصورت سؤال در نیآورده بودند که بنده بتوانم جواب عرض کنم چون قبل از دستور است بنده نمی توانم عرایضی عرض کنم.

رئیس - البته خاطر آقایان مسبوق است که برطبق

مدنی است تصویب شده خبر آنهم بمجلس شورای ملی تقدیم شده است این بود که بنده برای اینکه مردم در این سرزمستان فوق العاده پریشان و بی چیزند و منتظر تصویب این لایحه هستند پیشنهاد کردم که در درجه اول جزو دستور شود که با تصویب این لایحه تکلیف بلدیه و مردم معین شود.

وزیر مالیه - بنده می خواستم این پیشنهاد آقایان را تأیید کنم و در ضمن توضیحاتی بعرض آقایان نمایندگان محترم برسانم. چون چندینی قبل، در چند جلسه قبل اینجا تقاضا شد که این لایحه در دستور گذاشته شود و تصویب نشد این مطلب علتش بایستی البته روشن باشد. مدرس - برای اینکه بلدیه قانونی همین دو روزه درست میشود.

کازرون - صحیح است.

وزیر مالیه - اجازه بفرمائید. دو مطلب است که این دو مطلب باید طرف توجه آقایان نمایندگان باشد. یکی این است که بودجه هائی که طرف احتیاج عمومی میباشد و مخصوصاً حوائج شهری را برآورده میکنند اینها بایستی مرتب رسانده شود. دیگر راجع به بودجه بلدیه طهران است که برای تکمیل او قانونی پیش بینی شده که گویا در قسمت دوم این پیشنهاد تقاضا شده در آن جا قرار داده شده که مالیات مستغلات طهران به بلدیه تخصیص داده شود و اگر این مبلغ تخصیص داده نشود بودجه بلدیه طهران از بودجه پارسال و پیرایه هفت هزار و هشتصد و خرده تومان کسر است و علتش هم این است که در موقعی که قانون راجع به مالیات راهها میگذشت ترتیبی که در آنجا برای محاسبه و تعیین بودجه های بلدیه ها مقرر شد در موقع تطبیق آن عوائد چون برای بلدیه علاوه از آن مبرهائی که در آن قانون تخصیص شده بود يك عوائد دیگری هم بود از قبیل همین مالیات مستغلات و بلدیه میگرفت يك بودجه در حدود سی و نه هزار تومان و خرده داشت که

وقتی آمدند و مطابق آن قانون حساب کردند و عوائد سابقش را از دستش گرفتند و تمام عوائد را مالیه ضبط کرد مطابق آن حساب بلدیه سی و نه هزار تومان بیشتر بودجه پیدا نمیکرد و این تفاوت هم معادل همان مالیاتی است که از مستغلات میگرفت بعد از آنکه آن قانون گذشت مالیه اعتراض کرد که مالیات مستغلات را من باید بگیرم و البته حق هم داشت و بالاخره بعد از آنکه ما مالیات مستغلات را از دست بلدیه گرفتیم بودجه بلدیه قریب هشت هزار تومان کسر بودجه پیدا کرد بالاخره بعد از مذاکرات زیادی که بین بلدیه و مالیه و هیئت دولت شد با يك ترتیبی نتیجه این شد که عوائد مستغلات را که از دست بلدیه گرفته ایم و بلدیه بودجه اش ناقص شده دو باره به بلدیه تخصیص بدهیم علاوه بر آن چنانچه ملاحظه میفرمائید بلدیه يك امور خیلی مهمی در پیش دارد که آقای اعتبار الان اشاره فرمودند. از يك طرف آقایان فشار می آورند که بایستی جبران خسارات مردم بشود و از يك طرف وسیله پرداخت را جلوگیری میکنند این يك زندگان متناقض میشود و اگر تصور میفرمائید که با يك اصول متضادی يك زندگان متناقض ممکن است بنده عرضی ندارم ولی بعقیده بنده این طور نمیشود. فعلاً دو لایحه که تقدیم شده بود که یکی لایحه تخصیص صد و بیست و پنج هزار تومان از مازاد عایدات ۱۳۰۵ برای بلدیه است که این قسمت بیشتر برای مخارج غیر ثابت است از قبیل همین بنائی و خرید هائی که باید برای تکمیل این کار بشود و يك قسمت عمده اش هم برای تهیه آب و شروع بعمل است از برای بخاری آب شهر و لایحه دوم تخصیص عوائد مستغلات است به بلدیه برای تکمیل بودجه بلدیه و رساندنش به آن مأخذی که پارسال و پیرارسال و پس پیرارسال داشته و عوض اینکه امروز از طرف آقایان کمک بشود به يك چیزی که طرف احتیاج عامه است يك طور شده است که بودجه آنجا فعلاً قریب هشت هزار تومان از سنوات

قبیلش کسر است. این بود که بنده می خواهم تقاضا کنم و توقع کنم که آقایان مرحمت کنند که این دو لایحه جزء دستور باشد و اگر يك توضیحی و اطلاعاتی هم آقایان میخواهند در ضمن بحث در لایحه میفرمایند و بنده هم این جا هستم و جواب عرض میکنم در هر صورت در دستور گذاشتن آن سبب میشود که آقایان مخالفین حرفهای خودشان را میزنند و آقای کازرون هم که فرمودند صحیح است و خیلی میل داشتند حرف بزنند حرف خودشان را میزنند و بنده هم موقع پیدا میکنم و آرزو به دلم نمی ماند که نمیتوانم جواب ایشان را بدهم.

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم.

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم.

رئیس - آقای مفق

مفق - بنده با اعتبار بلدیه مخالفتی ندارم ولی در جلسه گذشته مقرر شد که لایحه مستمری آقایان علماء ساوجبلاغ جزء دستور بشود و این هم يك ماده بیشتر نیست. منما میکنم آقایان اجازه بدهند که این لایحه فعلاً جزء دستور باشد بعد لایحه بلدیه.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای اعتبار (معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. ماده واحده قرائت میشود (بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای آفاسید یعقوب

آفاسید یعقوب - بنده خیلی متأسف هستم که بعنوان مخالفت این جا آمده ام. برای خاطر اینکه این مسئله يك موضوعی بود که خود بنده در کمیسیون بودجه

جدیت داشتم در گذراندنش ولی خواستم بعرض مجلس برسانم که در گذشتن این لایحه بودجه که عبرت از جمع و خرج باشد مجلس شورای ملی حکومت کنند بین کمیسیون بودجه و هیئت دولت در چه صورت ما میتوانیم بودجه دخل و خرج را بگذرانیم یا لایحه خرج را بگذرانیم؟ در صورتیکه کمیسیون بودجه با مجلس از بودجه مستحضر باشد. ولی در صورتیکه ما مستحضر نیستیم که آیا ما میتوانیم خرجی راحتی این پانصد و شصت تومان را بدهیم یا نه بواسطه عدم اطلاع چگونگی این لایحه رأی بدهیم. بنده اساساً مخالف نیستم با دادن این مبلغ لکن عرض میکنم بنده که در کمیسیون بودجه هستم و از اول هم حاضر بوده اطلاع از بودجه ندارم خوشبختانه آقای وزیر مالیه که اینجا تشریف دارند در تحت مخالفت با این لایحه خواستم عرض کنم که آقای وزیر مالیه این بودجه های شکاری در می آید؟ کی ما باید مستحضر شویم از دخل و خرج که ما میتوانیم این پانصد و شصت تومان را با اطلاع از جمع و خرج بدهیم آقای وزیر مالیه آمدند در مجلس و میگفتند اضافه بودجه فواید عامه و خارجه را بگذرانید که بودجه ها حاضر شود، ما آمدیم در همان جلسه اول اضافات خارجه را گذرانیدم فوراً آقای رئیس الوزراء نوشتند که بودجه وزارت امور خارجه را تحت نظر نگیرید بودجه وزارت داخله را تحت نظر نگیرید، بودجه وزارت فواید عامه را تحت نظر نگیرید. بنده عرض میکنم این لایحه که مطرح است لایحه خرج است و چون ما از بودجه خبر نداریم از چه صورتی به این لایحه رأی بدهیم عرض کردم بنده مخالف نیستم ولی خواستم به آقای وزیر مالیه شکایت کنم و اظهار کنم شکایات کمیسیون بودجه را که همه روزه این جا به ما حمله نکنند و اطلاع بدهم که ما در کمیسیون کار نداریم. بودجه ها را نمی آورند. دیگر اینموقع آقایان اعضاء کمیسیون بودجه حرف نمیزنند.

وزیر مالیه - بنده خیلی خوشوقت هستم که فرمایشات آقای آقا سید یعقوب در يك قسمت آن شاید راجع به گذشته صحیح باشد یعنی از تعطیلی که در یکی دو تا از بودجه ها شده بود ولی امروز گمان میکنم این فرمایشات صحیح نیست . برای اینکه جز یکی دو بودجه که خودشان فرمودند که بودجه خارجه و داخله باشد که بواسطه يك تغییراتی که درش شده بود خواهش شده بود که در این بودجه بکفتری دست نگاه دارند تا آن تغییراتش از طرف دولت تهیه شود سایر بودجه ها از طرف دولت تهیه شده و فرستاده شده است خود بنده دیروز امضاء کرده و به مجلس شورای ملی فرستادم و گمان میکنم غیر از بودجه وزارت امور خارجه که آنهم امروز به آقایان میرسد چیز دیگری نمیخواهند...

بامداد - بودجه وزارت معارف چطور؟

وزیر مالیه - بودجه وزارت معارف مدتی است این جا هست و هیچ مانعی هم ندارد تمام بودجه ها در کمیسیون بودجه حاضر است . بعلاوه بنده انصاف میخواهم از آقای آقا سید یعقوب که این مسئله با این فرمایشاتی که فرمودند هیچ تطبیق دارد؟ این جا میگوید : وزارت مالیه مجاز است معادل پانصد و شصت تومان در سال در عوض عشریه سیزده فقره قراء و مزارع دریافتی عمای ساوجبلاغ از قرار جزو ذیل بعنوان مستمری از ابتدای سال ۱۳۰۶ مادام الحیاة از اعتبار شهریه و مستمریات در حق آقایان عمای ساوجبلاغ بر قرار کند . این را درست دقت بفرمائید که چه چیز است؟ يك چیزی از يك قرائی بعنوان عشریه يك عمائی میگرفته اند این را گفتند موقوف کنید نگیرند و چون استحقاق آنها معلوم بود گفتیم چه باید کرد حساب کردیم و گفتیم این مبلغ در مقابل آنکه از اعتبار مصوب سابق هم علاوه نمیشود به آنها پرداخته شود و اگر وزارت مالیه در جزء اعتبارات این مبلغ را اعتبار نداشت که پیشنهاد نمیکرد و اگر هم شما تصویب کنید چیز زائدی را تصویب

نکرده آید در حدود همان اعتبار شهریه و مستمریات که مدتی است در کمیسیون بودجه حاضر بوده است ، اینکه دیگر مانعی نداشته است .

آقا سید یعقوب - نمی آید توضیح بدهید از مجلس فراری هستید .

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بنده هم همین مطالب آخری را که آقای وزیر مالیه فرمودند خواستم عرض کنم که هیچ مربوط به بودجه نیست و دادن این وجه هم نسبت به این اشخاصیکه يك قسمت مهمی از صفحات ساوجبلاغ را تأمین میکنند به حال بودجه مملکتی هم مضرت نیست .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

دادگر - بنده مخالفم .

رئیس - بفرمائید .

دادگر - عرض کنم که بنده که مذاکرات را کافی نمیدانم برای این است که مبدا این توضیحات مسئله را معوق بدارد . عرض کنم اینها اشخاصی هستند که کاملاً استحقاق دریافت این حق را دارند و اشخاصی هستند که طرف رضایت کامل اهالی ساوجبلاغ میباشد بن بود که خواستم عرض کنم که این نظریات در پیش آقایان ملحوظ باشد

رئیس - (خطاب به آقای دادگر) حالا که با کفایت

مذاکرات مخالف نیستید؟

دادگر - بلی عریضم را عرض کردم .

رئیس - رأی میکنیم به کفایت مذاکرات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - اکثریت است . رأی گرفته میشود به ماده واحده با اوراق آقایان موافقین اوراق سفید میدهند

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده ۶۶ ورقه سفید

شماره شد)

رئیس - عده حاضر هفتاد و چهار باصصت و شش رأی تصویب شد .

اسامی رأی دهندگان

آقایان: دیوان بیکی - دکتر طاهری - نجومی - آقا سید کاظم بزدي - حاج شیخ بیات - فرهمند - مرتضی قلیخان بیات - عمادی - میرزا حسن آیت الله زاده خراسانی دادگر - ملک مدنی - احمی - اسفندیاری - مدرس - بهار - بامداد - حاج آقا حسین - بدر - حاج میرزا مرتضی - امام جمعه اهر - طباطبائی دیبا - دولتشاهی - اعتبار - سید حسین آقایان - خواجوی - حیدری - ملک ایرج میرزا پور تیمور - میرزا عبدالله خان ونوق - معتضد استرابادی - محمدتقی خان اسعد - ارباب کیخسرو - معظمی - لبقوان - پالیزی - بحی خان زنگنه اعظمی - امامی خوئی - مولوی - دکتر رفیع امین - فهیمی - سلطان محمد خان عامری - ذوالقدر - دکتر مصدق - حاج میرزا حبیب الله امین - بنی سلیمان - حشمتی - ایلیخان - محمود رضا - عصرا انقلاب - موقر - میرزا سید مهدی معتمد - ثقة الاسلام بروجردی - حاج علی اکبر امین - میرزا عبدالباقی - دهستان - محمد آخوند - سهرابخان ساکینیان - میر ممتاز - مفتی - میرزا عبدالحسین - ابراهیمی - ثابت - عراقی - محمد ولی میرزا - تقی زاده حقنویس

رئیس - ماده ۱۶ از قانون بلديه مطرح است قرائت میشود .

(اینطور خوانده شد)

ماده ۱۶ - هیئت نظار میتواند در صورت ضرورت در شهر های بزرگ برای انجام انتخابات يك یا چند شعبه مرکب از هفت نفر از معتمدین محل در نقاط مختلفه تشکیل نماید که در تحت نظر انجمن مرکزی وظایف خود را انجام دهند و مدت توزیع تعرفه و اخذ آراء از سه الی ده روز و عمل انتخابات در هیئت نظار مرکزی و شعب مقارن یکدیگر خواهد بود .

رئیس - آقای کازرونی

یک نفر از نمایندگان - تشریف ندارند .

(در اینموقع آقای کازرونی وارد مجلس شدند)

کازرونی - بنده در این ماده عرضی ندارم .

رئیس - آقای عمادی

عمادی - بنده عرضی ندارم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در واقع این ماده برای این است که در شهر های بزرگ مثل تبریز ، اصفهان اجازه میدهد به انجمن مرکزی انتخابات بلدی که دارای شعب باشند بنده عقیده ام این بود که با آن ماده که آقای مدرس پیشنهاد کرده بودند که انتخابات انجمن بلديه مثل انتخابات مجلس شورای ملی باشد و همان اختیارات آنجا را این جا بدهیم محتاج به این ماده نیستیم و این ماده این است که مثلاً در طهران میتواند انجمن مرکزی دارای شعب باشد حالا میرسیم به این قسمت که این شعب منتقلند یا غیر مستقل کاری نداریم . مقصود این است که با تکرار مذاکرانی که در قانون انتخابات در دوره پنجم واقع شد دیگر محتاج نیستیم به این ماده . اگر پیشنهاد آقای مدرس را مجلس قبول کرده است و رفته است در کمیسیون دیگر کفایت میکنند و دیگر این ماده را علاوه کردن لازم نیست همان حقی که در آنجا داده شده در این جا هم میدهیم و دیگر محتاج نیست که يك مذاکره دیگری بکنیم .

مخبر - این ماده مربوط به تبصره ماده ۸ است . اگر نظر آقایان این باشد در تبصره ماده ۸ هست که در شهر های بزرگ اگر لازم باشد میتوانند عده وکلای بلدی را تقسیم کنند به محلات و انتخاب کنند . وقتی اعضاء انجمن بلدی تقسیم می شود به محلات يك شعبه های فرعی هم لازم دارد و این جا اختیار میدهیم که يك شعب فرعی هم تشکیل بدهند و در تحت نظر خود انجمن انتخابات را در تمام

نقاط شهر جریان بدهد و خاتمه دهد .

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- موافقم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده خیلی تعجب میکنم که آقای مخبر به عرض بنده توجه فرمودند عرض بنده ربطی به آن ماده ندارد تبصره آن ماده میگوید که مثلاً طهران دارای ده محله است ، ده شعبه بلدییه قرار بدهند این جا مسئله انتخاب اعضاء بلدییه است نه مسئله نواحی که الان هم شعب بلدییه در طهران تشکیل شده است این جا موضوع انتخابات است که انجمن مرکزی نظارت انتخابات میتواند شعبی در محلات برای خودش قرار بدهد بنده عرض کردم بعد از آنکه آقای مدرس آن پیشنهاد را کردند که انتخابات بلدی هم مثل انتخابات مجلس شورایی ملی باشد محتاج به این نیستیم ولی بعد بواسطه تذکری که آقای مدرس و آقای عمادی دادند ملتفت شدم که کیفیت این جافرق میکند ، کیفیت آنجا از پنج تا ده است این جا از سه تا ده است چون کیفیت فرق دارد عیب ندارد .

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم که در این موضوع ثانوی منظور این نیست که ده شعبه ، پنج شعبه ، و راجع به طرز انتخابات است و تبصره سابق در باب وکلای است نهایت وکلای ولایات و آنچه را که آقای مدرس پیشنهاد کرده اند در باب دلایل نفی و اثبات منتخب و منتخب بود و راجع به طرز انتخاب نبود . بعلاوه در انتخاب اعضاء انجمن بلدی باید طرز انتخاب را سهلتر قرارداد برای اینکه کارش نسبتاً جزئی است . و اینکه آقای مخبر فرمودند در نقاطی که اعضاء انجمن بلدییه تقسیم به محلات می شود شعب میخواهد . عرض میکنم در نقاط بزرگ قطع نظر از اینکه عده اعضاء انجمن به محلات

طبقات بجای کله معتمدین .

رئیس -- آقای عمادی

عمادی -- چون آقای ملک مدنی در جلسه قبل پیشنهاد نمودند که عوض از معتمدین نوشته شود از طبقات و مجلس هم رأی داد لذا در این جا هم که شعبش بنا شد در محلات تشکیل شود هفت نفر از طبقات مختلفه انتخاب شود . بنا بر آن رأی که در ماده ۱۶ داده شده و مجلس تصویب کرد

مخبر -- بلی . در انجمن مرکزی چون مستقل است تشکیلاتش از طبقات شش گانه پانجگانه یا چهار گانه سهل است ولی در شعب و محلات دعوت کردن هفت نفر از طبقات مختلف شاید مشکل باشد و بعلاوه شعبات فرعی در تحت نظارت انجمن مرکزی است . اینهم که گفته شده از معتمدین محل باشند برای این است که ممکن است در محلات مطابق این عده معتمد باشد ولی از طبقات مختلفه شاید نباشد . عمادی -- چطور می شود که در یک محله از طبقات مختلف نباشد ؟

رئیس -- آقایانیکه پیشنهاد آقای عمادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد . رأی میگیریم به ماده ۱۶ آقایانیکه موافقت قیام فرمایند . (اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس -- تصویب شد . ماده ۱۷ (اینطور خوانده شد)

ماده ۱۷ -- اعلان هیئت نظار ، ترتیب دادن تعرفه و اخذ رأی ، حفظ و استخراج آراء و مراسمی که برای انجام این وظیفه باید رعایت شود ناموقعی که استخراج آراء خاتمه می یابد مطابق مواد ۴ ، ۵ ، ۷ ، ۱۵ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ و ۳۴ و ۳۹ و ۴۱ و ۴۶ قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب مهر ماه ۱۳۰۴

این چیزی که بنده می فهمم اینطور است و بیاناتی که آقای مخبر و آقای دادگر میفرمایند چیز دیگر است در این ماده کیفیت انتخابات است و از آن چیزی که آقای مدرس پیشنهاد کردند خارج نیست و اساساً و روحاً این است که میخواهد بگوید انجمن بلدی میتواند در شهر های بزرگ دارای شعب باشد . بنده اینطور فهمیدم و خواستم توضیح داده شود ، ما که در مجلس هستیم ، هیئت مقننه هستیم این جور می فهمیم توضیح بدهند که دست هیئت مجریه که می رسد آن ها هم ملتفت بشوند .

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم که جواب عملی آقای آقا سید یعقوب این است که بنده یک مرتبه تبصره را بخوانم ، ایشان یک مفهوماتی برای تبصره قائل شده اند که اینطور نیست . تبصره میگوید : عده وکلای انجمن بلدی در شهر های بزرگی که محلات و نواحی تقسیم شده باشد ممکن است متناسب اهمیت و جمعیت بین محلات و نواحی حوزه بلدی تقسیم شود . این تقسیم راجع به شعب انتخابات است و بداهت دارد و واضح است و هیچ ابهام ندارد .

رئیس -- آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات -- بنده میخواستم همین توضیحی را که آقای دادگر دادند عرض کنم و حالا عرضی ندارم .

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است .
رئیس -- عده برای رأی گرفتن کافی نیست .
شیروان -- کسی مخالف نیست .
رئیس -- پیشنهاد آقای عمادی . (مضمون آنی خوانده شد)

پیشنهاد میجام که بعد از هفت نفر نوشته شود از

تقسیم شود یا نشود ممکن است برای انجمن نظارت شعب فرعی لازم شود . مثلاً در بعضی شهر های بزرگ شاید به محلات تقسیم نشده باشد ولی بواسطه بزرگی شهر مردم نتوانند آرائشان را در يك محل بدهند . به این ملاحظه به انجمن نظارت حق داده شده شعبی برای خود در محلات تشکیل دهد .

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است .

آقا سید یعقوب -- بنده مخالفم .

رئیس -- کسی اجازه نخواسته است . وقتی کسی

نخواهد حرف بزند دیگر چه میفرمائید ؟

آقا سید یعقوب -- بنده میخواهم حرف بزنم .

رئیس -- پس اجازه بخواهید

آقا سید یعقوب -- حالا اجازه میخواهم .

رئیس -- بفرمائید .

آقا سید یعقوب -- بنده حقیقه خیلی متأسف هستم که قانون را در مجلس بنده نفهمیدم . بنده و آقای مدرس یک جور تصور می کنیم و آقای مخبر یک جور دیگر . اگر این قانون برود وزارت داخله چه جور تعبیر میشود ؟ اینطور که بنده میفهمم ربطی به تبصره ندارد تبصره عنوانش این بود که اگر یک شهر بزرگی باشد خود انجمن بلدییه میتواند دارای شعب باشد . مثلاً بلدییه که الان در میدان سپه تشکیل شده است میتواند شعبی از برای خودش در محله دولت یا جای دیگر معین کند ولی در این جا عنوان این است که انجمن مرکزی انتخابات دارای شعب باشد و همانطوری که انجمن مرکزی انتخابات مجلس شورای ملی در ایالات و ولایات و مرکز دارای شعب هستند همین جور هم انجمن مرکزی انتخابات بلدییه دارای شعب باشند مثلاً انجمن مرکزی در میدان توپخانه میدان سپه تشکیل میشود در محله دولت یا سایر محلات تشکیل شعبه انجمن بدهد و باید منتخبین شعبه دولت از اهل محله دولت باشند یا منتخب شعبه سنگلج از اهل محله سنگلج باشد و منتخبین چالمیدان مثلاً روند در سنگلج رای بدهند

میباشد و صورت مجلس انتخابات را منشی هیئت نظار در دو نسخه تحریر نموده بامضای هیئت و حاکم محل می‌رساند. يك نسخه به اداره حكومتی و نسخه دیگر با کتابچه ثبت تعرفه و صورت مجلس های یومیه به انجمن بلدی تسلیم می‌گردد.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده عرض مهمی ندارم فقط گمان میکنم بایستی ماده ۱۷ قانون انتخابات هم در این جا وارد شود. در اینجا تصریح میکنند که انجمن نظارت غیر قابل انحلال است ولی در اینجا قید نشده پیشنهادی هم کرده ام.

دادگر - نظر خوبی است پیشنهاد کنید موافقت میکنیم.

رئیس - آقای عمادی.

عمادی - موافقم.

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خواستم يك چیزی را آقای مخبر توضیح بدهند که در ماده ۱۷ که نوشته است و جریان انتخاب و ترتیب اخذ رأی و انداختن در صندوق و رای دادن این جا منضم کرده اند به قانون ۱۳۴۰ که اینجا هم آنها را میخواهند بکنند...

مخبر - ۱۳۰۴ است.

آقا سید یعقوب - بلی ۱۳۰۴ خواستم در ماده ۱۷ يك چیزی اضافه شود. چون دو تا قانون انتخابات هست يك قانون انتخاباتی است که در دوره دوم نوشته شده و يك قانون انتخاباتی است که در ۱۳۰۴ است اینجا اضافه شود که معلوم باشد کدام است.

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی

(اینطور خوانده شد)

است قابل توجه می‌شود و الا خیر. پس در حقیقت بسته بنظر انجمن نظارت است و پس، بعقیده بنده این صحیح نیست و تا این اندازه نبایستی دائره را تنگ گرفت و يك چیز دیگر دارد که بنده نفهمیدم چطور خواهد شد میگوید که قرار تجدیدش را با موافقت انجمن بلدی خواهد داد. بنده نمی‌فهمم انجمن بلدی چه دخالتی در این جا دارد و وجودش چه اثری خواهد داشت؟ و آنجائی که انجمن بلدی وجود ندارد با حضور حاکم...

مخبر - با موافقت حاکم.

کازرونی - بلی. بنده عرض میکنم اگر بنا باشد اختیارات را کاملاً به انجمن نظارت بدهند بنده موافق نیستم. بنده از اخلاق و عادات مثل سایر آقایان کاملاً اطلاع دارم و از این نقطه نظر است که بنده واجب میدانم در موقعی که قانونی را وضع میکنیم بدینی را بیشتر ترجیح بدهیم، قانون گذار همیشه باید جنبه بدینی را رعایت کند و الا خوش بینی قانون لازم ندارد...

شبروانی - اگر اینطور خوب نیست راه حلش را بگوئید.

کازرونی - بلی. راه حل. اولاً نباید فراموش کرد که يك چیزی در قانون اساسی هست و مملکت به آن محتاج است و مادامی هم که نداشته باشیم مشروطه ما ناقص است و آن انجمن های ایالتی و ولایتی است ما باید این حق را بانجمن های ایالتی و ولایتی بدهیم که مافوق انجمن بلدی است و قائم مقام مجلس شورای ملی است برای ایالات و ولایات و مخصوصاً برای قضاوت این کار خیلی خوب است و اگر آنجا قائل نشدند اقلاد را جمع کنید به وزارت داخله یا يك محلی که حق تفویض داشته باشد و با این شکل حقیقه بنده موافق نیستم.

مخبر - باراه حلی که آقای کازرونی از جنبه مثبت

فرمودند نباید انتظار داشت که به این زودبها ما موفق

باجرای قانون بلدی بشویم چون فعلاً تعلیق بر محال است بعلاوه در قانون سابق قید شده بود که اگر چنانچه شکایاتی از طرز انتخابات دارند شکایت کنندگان باید بانجمن نظار بگویند اگر انجمن نظار رسیدگی نکرد و راه حلی پیدا نشد رجوع کنند بانجمن بلدی و انجمن بلدی پس از رسیدگی رأیش قاطع است. بعد از آنکه این قانون در کمیسیون مطرح مذاکره شد اینطور قرار داده شد که انجمن بلدی یعنی آن دو تائی که از آن بقی میباید ممکن است رسیدگی کنند و در صورتیکه با انجمن نظارت موافقت پیدا کردند انتخابات آن نقطه که اعتراضات راجع بانجا است تجدید شود بعلاوه اگر ماده ۱۹ را مراجعه و ملاحظه فرمائید مقید است بر اینکه هیئت نظار با حکومت محل و مدعی العموم ابتدائی عدلیه یا رئیس صلح یا امین صلح میتوانند بشکایت راجع جریان انتخابات رسیدگی کنند که در واقع يك تائی را دخالت داده است که با نظر موافقت آن ذلک که صلاحیت محاکمه را هم دارد رسیدگی کنند بعد هر قراری که با توافق نظر یکدیگر دادند اجرا کنند

رئیس - آقای دادگر موافقتند؟

دادگر - بلی

رئیس - آقای عمادی.

عمادی - مخالفم.

رئیس - فرمائید.

عمادی - فرمائید تا اینکه آقای مخبر فرمودند صحیح است لکن از آنطرف علت مخالفت بنده این است که ممکن است آن دو تائی که از انجمن بلدی سابق باقی مانده است با اشخاصی که جدیداً انتخاب شده اند يك نظریاتی در هويت اشخاص داشته باشند و با اشخاصی که قبلاً انتخاب شده اند يك نظریات رقابت آمیزی داشته باشند که خلاف مقصودی که ما در نظر داریم برای حفظ انتظامات پیش بیاید. بنا بر این همانطور که آقای کازرونی فرمودند باید قضاوت

را به هیئت نظار بدهیم در قسمت رسیدگی مدعی العموم و رئیس صلح هم دخالت دادن و شرکت مدعی العموم و رئیس صلح هم گرچه مربوط بان نیست چون آنها از حق انتخاب محرومند آن سوء نظری که عرض کردم گاهی طاری میشود آن اینجا منافی است. بان جهت بنده نباید میکنم اظهارات آقای کازرونی را و خوب است قضاوت را بانجمن نظار بدهیم و با ماده نوزدهم هم منافاتی ندارد برای اینکه مانع از تطرق پاره خیالات است مخبر - این فرضی را که نماینده محترم راجع به دولتک انجمن بلدی فرمودند ممکن است برای انجمن نظار هم این نظر اجمال داده شود یعنی اگر چنانچه انجمن بلدی دو نائش اعمال نظر خصوصی کنند ممکن است انجمن نظار هم بکنند بعلاوه راجع به شرکت مدعی العموم و رئیس صلح که فرمودند از انتخابات محرومند در قانون بلدی که هنوز چنین قیدی نشده است که اعضاء عدلیه از انتخاب کردن یا شدن محرومند و اگر هم این نظر منظور باشد يك نالی هم در جریان امر دخالت و نظارت داشته باشد برای حسن جریان امر بهتر است و صحت عمل بهتر صورت میگیرد از اینکه بالاخره انجمن نظار هم خودش رسیدگی بشکایات بکند و هم رأیش قطع باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - پس در مخالفت با کفایت مذاکرات بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده در گذشتن این قانون خیلی جدیت دارم لکن حقیقه عباراتی دارد که باید آقای دادگر با آقای مخبر توضیح بدهند. مثلاً در این ماده و تبصره بنده اشکال دارم. موقع بدهید عرض کنم. اینجا میگوید (پس از رسیدگی) این رسیدگی در حین جریان انتخاب است یا بعد از ختم انتخاب است. این کلمه باید توضیح داده شود که مطلب معلوم شود.

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است. رأی گرفته میشود بماده

هیجدهم

آقا سید یعقوب - بنده پیشنهادی کردم

بعضی از نمایندگان - موقعش گذشت

رئیس - آقایانیکه با ماده هیجدهم موافقت قیام

فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

بعضی از نمایندگان - تنفس

رئیس - میفرمائید چند دقیقه تعطیل شود؟

(گفته شد بلی)

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از

سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده نوزدهم

(مضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۹ - هیئت نظار پس از ختم انتخابات با

حضور حاکم یا قائم مقام او و مدعی العموم یا وکیل

عمومی یا رئیس صلح رسیدگی بشکایات را در ظرف يك

هفته خاتمه داده و باشخاصی که انتخاب شده اند مراجعه

و در صورت قبول وکالت بآنها اعتبار نامه میدهند.

اعتبار نامه بامضاء هیئت نظار و حاکم یا قائم مقام او

خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای دادگر و آقای مخبر را توجه

میدهم به ماده نوزدهم در واقع تفسیر ماده هیجدهم است.

در ماده ۱۸ يك شبهه برای بنده بود که مذاکرات

کافی شد و رفع شبهه نشد و در اینجا بعنوان مخالفت

عرایضی میکنم که توجه بدهم آقایان را که در اینجا

يك توضیحی داده شود و آن شبهه این است که در

این ماده نوشته است (مگر وارد بودن شکایات راهیئت نظار پس از رسیدگی تصدیق نماید) بعد از آنکه هیئت نظار تصدیق کردند و انجمن نظارت هم موافقت بکند تجدید انتخاب خواهد شد. در واقع این ماده نوزدهم مفسر او است موضح او است معین می کند که رسیدگی کی باید واقع شود. معلوم است رسیدگی پس از خاتمه انتخابات است همانطور که در انتخابات مجلس شورای ملی هست. بعد از آنکه انتخابات خاتمه پیدا کرد باید رسیدگی شود در حضور هیئت حاکمه که در این ماده نوزدهم معین میکنند عبارت از حاکم یا قائم مقام او است با مدعی العموم یا وکیل عمومی یا امین صالح که باید رسیدگی بشکایات کنند اگر شکایات را وارد دانستند تجدید انتخاب شود. در آن ماده دارد (با موافقت انجمن بلدی) در اینجا ندارد. حالا خواستم بنده این شبهه را رفع کنم که اگر آن هیئت قاضیه تصدیق کردند که این شکایت وارد است ولی انجمن بلدی موافقت نکرد با نظر هیئت حاکمه درینصورت تکلیف چه چیز است؟ آیا نسبت بان انتخاباتی که شکایات وارد شده است باید تجدید نظر شود یا نه؟ یعنی هیئت قاضیه تصدیق کردند که این شکایت وارد است و انتخابات باید تجدید شود لکن انجمن بلدی یا از روی يك مناسبتی یا از روی يك ملاحظه که مثلاً فترتی پیش نیاید موافقت نکرد در اینصورت تجدید میشود یا نه؟ این اولاً ثانیاً شکایت کننده را نوشته است کسی است که متوقف در آن جا باشد بنده میخواهم عرض کنم شکایت کننده ممکن است متوقف نباشد لکن برطبق مدارك قانونی بردارد بنویسد مطابق این ماده و این ماده این شکایت را من میکنم. آن اشخاصیکه باید شکایت کنند بيك ملاحظه شکایت میکنند لکن این با مدارك قانونی شکایت از انتخاب میکنند. بنده رقم مشهد دیدم در آنجا تشکیل انجمن نظار شده است و انتخاب هم میکنند لکن متوقف در آنجا نیستم برداشتم بانجمن مرکزی شکایت کردم که آقای انجمن این اشکالات وارد است. آیا این حرف من که وارد است پذیرفته

میشود یا نه؟ اینها شبهاتی بود که در ماده ۱۸ بود و این ماده ۱۹ مفسر آن ماده است. حالا خواستم در اینجا توضیح داده شود که رفع اشکال بنده بشود.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - بنده موافقم.

رئیس - بفرمائید

بامداد - بعقیده بنده این ماده بسیار خوب ماده است

و کاش در انتخابات مجلس شورای ملی هم در مقدماتش

يك همچو دقت مائی میشد. هیئت نظار البته با اینکه از معتمدین

محل هستند معذلك کمیسیون داخله برای آنها يك شرکاء و نظاری

هم قرار داده است از قبیل حاکم و قائم مقام او بعد

مدعی العموم یا وکیل عمومی یا رئیس صلح برای این

که اگر خدای نخواسته آنها يك نایبانهائی داشته باشند

این اشخاص خارج که صلاحیت قضاوت را دارند و

بسمت رسمی قاضی هستند آنها هم دخالت کنند. اما

آن قسمتی که فرمودند که چرا حق شکایت را بکسانی که

حق انتخاب ندارند نداده اند اولاً در انتخاب مجلس

شورای ملی هم همینطور است و ثانیاً انتخابات بلدی يك

مختصاتی دارد و غیر از انتخابات عمومی مجلس شورای ملی

است. این راجع بشهر است. يك کسانی که آشنا باخلاق

و احتیاجات این شهرند قضایائی که اتفاق می افتد و

همینطور سوء جریان انتخابات را آنها بهتر تمیز میدهند

تا يك کسی که (همانطور که مثل زدند) بعنوان

زیارت مشرف میشود بمشهد و آنوقت از يك کسی میشنود

که حسن یا حاج محمد حسین بان دسائس انتخاب شده.

او نمیداند حسن کی است، حاجی کی است، دسائس از

چه قرار است، هیچ با آن محیط آشنا نیست ولی اگر

واقعاً يك مدارکی در دست داشت یعنی ادله ومستندات

قانونی صحیح در دست داشت میتواند بعنوان يك

ایرانی خیر خواهانه بفرستد بانجمن البته محل توجه

می شود. اما نه بعنوان این که این حق را دارد. البته اگر يك شكایات بنظرش رسید مثلاً رفته خانه يك کسی روضه و در مجلس روضه شنیده که فلان کس فلان دسپسه را کرده و فلان شخص را انتخاب کرده آنوقت میتواند يك عرضحالی بدهد و بگوید من آنجا بودم و دیدم فلانکس با رفیقش میگفت ما حاج حسن را مثلاً بعنوان انجمن بلدی با فلان دسائس انتخاب کردیم. این را عیناً مینویسد آن هیئت حاکمه که عبارت باشد از هیئت نظار با انضمام قاضی صلح با مدعی العموم و البته ترتیب اثر هم میدهند و بنده کان میگویم این ماده خیلی خوب ماده هست.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.
کازرونی - بنده مخالف هستم.

رئیس - بفرمائید

کازرونی - اولاً به آقایان عرض میکنم که در این قانون بلدیة هیچکس مخالف نیست. مقصود از این مذاکرات این است که اگر خلاف یا شبهه باشد رفع شود. بنظر بنده شبهه در اینجا هست. شما اجازه نمیدهید مذاکره کنیم؟ و الا بنده کاملاً با این قانون موافقم و اگر ما دو دقیقه عقبتر تصویب کنیم لیکن اگر شبهه باشد توضیح داده شود و بمنزله تفسیر باشد بعقیده بنده بهتر است.

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس - اکثریت است. پیشنهاد آقای دبیا

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میجام در ماده نوزدهم نوشته شود: مدعی العموم بدایت و عوض رئیس صلح نوشته شود امین صلح.

رئیس - آقای دبیا

دبیا - پیشنهاد بنده فقط اصلاح عبارتی است معلوم است مقصود مدعی العموم بدایت است نه استیناف و تمیز و چون در قانون تشکیلات رئیس صلح همان امین صلح است بنده پیشنهاد کردم امین صلح نوشته شود

مخبر - بنده قبول میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی

(باین مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در ماده نوزدهم بجای (با حضور) نوشته شود (با شرکت)

کازرونی - حضور تنها یعنی فقط آنجا نشسته باشد این معنایش است اگر يك معنی دیگری درش هست توضیح بدهید تا من نفهمم و اگر غرض این است که حکومت کنند پس معنی حضور چیست؟ اگر زبان فارسی است که این معنی ندارد حالا بنده بعضی قسمتهای دیگر این ماده را عرض نمیکنم که چه تناقضی فیها بین ماده هیجدهم با بعضی عبارات این ماده هست آن يك موضوعی است که تصویب شده و بجای خود باقی است.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - اولاً میخواستم عرض کنم که این قانون پنجاه ماده است و عادت هم بر این جاری شده است که هفت هشت ده ماده الحاقیه را ما منتظریم این میشود شصت تا و با این ترتیب اگر ما بخواهیم با این قانون اینطور مواجه شویم نمیشود. اینکه آقای کازرونی میفرمایند بنده اعتراف میکنم که آقای کازرونی يك عنصر ملی هستند و بکارهای ملی اظهار علاقه میکنند ولی نمیدانم تشخیصشان چطور است که اینطور اظهار عقیده میکنند میفرمایند باید جدید کرد، تسریع کرد که این قانون بگذرد، موافقم، اما، الا، اگر، بالاخره با این کلمات قانون میمیرد! يك قانون شصت ماده با این ترتیب پیشنهاد دادن و اعتراض و صحبت کردن نمیکند! عرض کردم اینجا منظور هم حضور است ما میخواهیم

قوت بیشتر با خود انجمن باشد انجمن نظار رسیدگی میکند ولی باز خود انجمن بلدی حاکم در قضایا است و اینها ناظرند و میخواهند با مر قانون تطبیق داشته باشد و مراقبت کنند و الا قاضی نیستند.

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی گرفته میشود. ماده

نوزدهم با اصلاح پیشنهادی آقای دبیا که آقای مخبر قبول کردند آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده بیستم.

(بشرح آتی قرائت شد)

ماده ۲۰ - هرگاه یکی از انتخاب شدگان از قبول وکالت استنکاف یا بعد از قبول فوت یا مستعفی یا منفصل شود کسی که در درجه بعد حائز اکثریت است بجای او وکیل خواهد بود و عضو جدید برای مدتی وکالت خواهد داشت که از دوره قانونی عضو سابق باقیانده است

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم يك اشکالی این ماده دارد که گمان میکنم غالب آقایان هم متذکر آن باشند يك مرتبه يك عضو استنکاف میکند و بجای او در درجه دوم معین میکنند يك مرتبه اصلاً رد و قبول را مینویسد مثل انتخابات طهران بنده قدم اعتراض با آقای مستوفی الممالک نیست ولی تا این تاریخ ایشان معلوم نیست وکیل هستند وکیل نیستند و حق يك وکیل را غصب کرده اند ممکن بود بکنفر وکیل بجای ایشان به مجلس میآمد باید معلوم کنید کسی که در انتخابات بلدی معین میشود تا چه تاریخ ملزم است قبول یارد کنند این ماده گنگ است و نقص دارد....

بامداد - ماده ۲۱ تکلیفش را معین کرده روحی - بنده ماده بیست و یکم را نمیدانم این را خوب است آقای مخبر توضیح بدهند
رئیس - آقای دبیا

دبیا - بندهم مخالفم

رئیس - آقای دشتی

دشتی - عرض کنم باین ماده اشکالی وارد نیست برای اینکه اولاً در ماده ۲۱ نوشته است که اعلام میکنند اگر موعده ماده مقرر جوان نداد استنکاف محسوب میشود و باضافه در ماده ۲۳ دارد که اگر عضوی پنج جلسه متولی یا شش جلسه متناوب نیامد منفصل میشود بنابراین هیچ اشکالی ندارد و ماده خیلی خوب نوشته شده است

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

دبیا - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس - بفرمائید

دبیا - اینجا يك عبارتی نوشته شده است (که اگر بعد از قبول فوت یا مستعفی و یا منفصل شود) بنده نمیفهمم کسی که با اکثریت انتخاب شده است چطور منفصل میشود

مخبر - ماده ۲۳ را ملاحظه بفرمائید نوشته است چطور منفصل میشود.

رئیس - پس مذاکرات کافی است؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس - رأی گرفته میشود. ماده بیستم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. بقیه مذاکرات را اگر تصویب

میفرمائید بماند برای جلسه بعد

بعضی از نمایندگان - دو سه ماده دیگر مانده

تمام شود.

رئیس -- ماده بیست و یکم

(بمضمون آنی خوانده شد)

ماده ۲۱ - منتخبین باید در ظرف يك هفته بعد از وصول اخطار هیئت نظار رد یا قبول وکالت را بوسیله مکتوب یا تلگراف بهیئت نظار اعلام نمایند و هرگاه در موعد مقرر اطلاع ندهند در حکم مستنکف بوده و مطابق ماده ۲۰ رفتار خواهد شد .

رئیس -- آقای کازرون

کازرون - شاید محقق شد که عذر موجهی داشته است یا لایحه و تلگراف بهش نرسیده است و مریض و بستری بوده است . اگر اینها را در نظر گرفته اید که بنده حرفی ندارم ولی اگر در نظر نگرفته اید لازم است مراتب را در نظر بگیرید .

مخبر - منظور از این ماده تقریباً رفع اشکالی بوده که آقای روحی فرمودند برای اینکه وقتی باو اعلام و اخطار میشود ممکن است جواب ندهد و همینطور قضیه معوق بماند اینجا مقید کرده اند که بعد از يك هفته باید تلگرافاً اطلاع بدهد و اگر چنانچه مریض بود یا عذر موجه داشت ممکن است در جواب اظهار کند جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس -- کافی است ؟

(گفتند کافی است)

رئیس -- رأی گرفته میشود بماده بیست و یکم آقایان

موافقین قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد . ماده بیست و دوم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۲ - هیئت نظار پس از دادن اعتبار نامه کلیه اسناد راجعه بانتخابات را بوسیله حکومت بانجمن بلدی تسلیم نموده و منحل میشود . حکومت نتیجه انتخابات و انحلال انجمن را رسماً اعلان مینماید

ممكن است كلاه قانون هم بسازند و دروغی نسخه

بگیرند بنده کاملاً موافقم .

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده اصلاً تصور میکنم اعضای انجمن بلدی اشخاصی خواهند بود که خدماتشان نسبت بشهر خودشان خواهد بود و خدمتی برای کس دیگر نخواهند کرد . خدمت انجمن بلدی راجع است به خود بلد آنها بنا بر این هر کس انتخاب شود خدمت شهر خودش را میکند و بجای دیگر ما او را نمیبریم که حقوق بهشان بدهند و البته باید بجانی و بلاعوض باشد . بعضی ها می گویند این ماده غلط است ولی اگر این ماده باشد بنده کاملاً با حقوق گرفتن اعضاء انجمن بلدی مخالف هستم و این چیزی نیست که بشود عنوان برایش درست کرد مثل اینکه آقای روحی به آقای کازرون میفرمایند که اگر شما حقوق نمیگیرید خیلی دیر میآیدید یا هیچ نمیآیدید . اگر يك قدری توجه بفرمائید خواهید دید اینها را از هم باید تفکیک کرد . آقای کازرون از بوشهر میآیدند و کابل انجمن بلدی در شهر خودش ، در خانه خودش نشسته است و خدمت شهر خودش میکند .

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - بنده با ماده مخالفم با اینکه حقوق

نداشته باشد

رئیس -- بفرمائید

دادگر - استدعا میکنم عرایض بنده را آقایان التفات بفرمایند بالاخره مجلس شورای ملی برای تبادل نظرات هر کس نظر خودش را میگوید استدلال هر کس قویتر بود پذیرفته میشود . از او هام تنزل کنیم و قدری روی مطالب عملی بیائیم . بالاخره مانجربه داریم . در جاهائی هم که حقوق هست جریمه هم هست يك معافیت کوچکی که هست از آن هم استفاده میشود . بنده مثال نمیبرم که اگر در جاهائی که در جریمه ا همان شده است آنجاها

ممكن است كلاه قانون هم بسازند و دروغی نسخه

بگیرند بنده کاملاً موافقم .

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده اصلاً تصور میکنم اعضای انجمن بلدی اشخاصی خواهند بود که خدماتشان نسبت بشهر خودشان خواهد بود و خدمتی برای کس دیگر نخواهند کرد . خدمت انجمن بلدی راجع است به خود بلد آنها بنا بر این هر کس انتخاب شود خدمت شهر خودش را میکند و بجای دیگر ما او را نمیبریم که حقوق بهشان بدهند و البته باید بجانی و بلاعوض باشد . بعضی ها می گویند این ماده غلط است ولی اگر این ماده باشد بنده کاملاً با حقوق گرفتن اعضاء انجمن بلدی مخالف هستم و این چیزی نیست که بشود عنوان برایش درست کرد مثل اینکه آقای روحی به آقای کازرون میفرمایند که اگر شما حقوق نمیگیرید خیلی دیر میآیدید یا هیچ نمیآیدید . اگر يك قدری توجه بفرمائید خواهید دید اینها را از هم باید تفکیک کرد . آقای کازرون از بوشهر میآیدند و کابل انجمن بلدی در شهر خودش ، در خانه خودش نشسته است و خدمت شهر خودش میکند .

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - بنده با ماده مخالفم با اینکه حقوق

نداشته باشد

رئیس -- بفرمائید

دادگر - استدعا میکنم عرایض بنده را آقایان التفات بفرمایند بالاخره مجلس شورای ملی برای تبادل نظرات هر کس نظر خودش را میگوید استدلال هر کس قویتر بود پذیرفته میشود . از او هام تنزل کنیم و قدری روی مطالب عملی بیائیم . بالاخره مانجربه داریم . در جاهائی هم که حقوق هست جریمه هم هست يك معافیت کوچکی که هست از آن هم استفاده میشود . بنده مثال نمیبرم که اگر در جاهائی که در جریمه ا همان شده است آنجاها

قویترین رجال این مملکت طفره مبرود از انجام وظیفه بالاخره این در عالم خطابه خیلی درست است، بکنفر است مباشر امور بلد خودش است، در خانه خودش است، کار خودش را می کند و حقوق نمی خواهد ولی در موقع عمل که میشود یک جلسه هم انجمن تشکیل میشود. آنجا هائی که حقوق میدهم، مملکت حقوق میدهد و ضعف احتیاجات بمباشرش حقوق میدهد باز لا ایل شده است نسبت بوظیفه اش حضرتعالی میفرمائید یک جماعتی بیایند، بنشینند، بی حقوق و بی مدد معاش فقط با حسن شهر برستی! با حسن شهر برستی نمیشود عمل کرد. بیستی حقوق داد. بنده بالاخره در این مسائل يك تشخیصی دارم و آن تشخیص این است که انسان يك وقت يك چیز را میخواهد فلج کند من غیر مستقیم فلج میکند. بی حقوق گذاشتن مؤلین يك کاری فلج کردن آن کار است بطور غیر مستقیم. میخواهید حقوق کم بدهید کم بدهید صرفه جو باشید ولی هیچ ندهید نمیشود. کار از پیش مبرود. مدد معاش را لا اقل بدهید ماده اول که ما تصویب کردیم عبارت از این بود که يك حقوق خفیف بنام مدد معاش که قدر اقل و اکثر آن هم معین شده بود بآنها داده شود که پول بنزین و اتومبیل یا پول الاغش را از جیبش ندهد ولی بالاخره اینکسکه بیاید يك دینار هم نگیرد و اوقاتش را هم صرف کنند، این فکر البته فکر مقدسی است ولی ملت باید رشد کند تا باین مرحله برسد و بنده خجالت نمیکشم که عرض کنم تا این حد رشد و بلوغ در ما نیست. ما هنوز مردمانی نیستیم که تنها باعمال وظیفه و بدون اینکه شخصیات در کار مداخلت داشته باشد کاری بکنیم. این حرفهای ناشی از حس فایده اش چه چیز است؟ احساسات فایده ندارد بالاخره (باید اینطور بود و باید اینطور بشود) اینها جعل تعلیقی است و فایده ندارد. اگر و مگر و شاید بالاخره یکشاهی بدر نمیخورد و باید رفت طرف عمل. بنده عقیده ام این است که باید باجزاء بلدی بافراط پول

انجام وظیفه نماید. غالباً انسان اگر افکار عمومی پشتیبان او باشد بهتر کار میکند. یکی از مفاسد حقوق معین کردن این است که نزاحم میشود در سر انتخابات بلدی ولی اگر شما حقوق برای اعضاء انجمن بلدی قرار ندهید بالطبع اشخاصی داوطلب میشوند که بیایند برای شهر خودشان کار کنند زیرا غرضشان پول گرفتن و مدد معاش نیست و میخواهند قریه لله کار کنند. الان این مسئله در طهران نظائر دارد مثلاً در محله عربها انجمن آب دارند تمام اعضایشان هم جمع میشوند و کار میکنند برای اینکه اقداماتشان تمام دارد با خودشان هم چنین بقول آقای کازرونی اگر شما بروید فارس و کولای مدارس شیراز هم حقوق ندارند. مثلاً وکیل مدرسه سعادت در بوشهر بهتر از دوائر بوشهر کار میکند. بکنفر از نمایندگان - تحصیل کرده نیستند دشتی - حالا کار به تحصیل نداریم ولی این خطرناک است. اگر برای اعضاء انجمن بلدی حقوق قائل شویم آنوقت تمام منتظرین خدمت که میخواهند از این عمر پول گیرشان بیاید میخواهند وکیل بلدی شوند. ولی اگر شما بدون حقوق بگذارید غالباً اشخاصی داوطلب میشوند که میخواهند به مملکت خودشان و شهر خودشان خدمت کنند یعنی کسانی که ما بلند اسم داشته باشیم و افتخار داشته باشند آنها داوطلب میشوند. گفته شد اگر حقوق نداشته باشند کسی نمی آید کار کند، مرده بچه دلخوشی بیایند کار کنند. بنده برای همین عرض میکنم که نباید حقوق برایشان معین کنند برای اینکه کسانی که پول میخواهند نیایند آنجا بلکه کسانی بیایند که بخوانند برای شهرشان کار کنند. يك مسئله دیگری را هم تذکر میدهم و آن این است که کارهای ما نباید وارونه تمام دنیا باشد. کجای دنیا اعضاء انجمن های بلدی اش پول میگیرند؟ حقوق میگیرند؟ غالب جاها اعضاء مجلس شورای ملی هم حقوق نمیگیرند یعنی موظف نیستند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
روحی - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید

روحی - بنده عقیده دارم که به این عجله هم نمی شود قانون گذراند زیرا در نتیجه و عمل دچار اشکال میشود آقایدن اجازه بدهند موافقین و مخالفین عقاید و استدلالات خودشان را بگویند بعد هم البته رأی اکثریت مجلس قاطع است هرطوری رأی داده عمل میشود و بنده هم يك عریاضی دارم که باید عرض کنم
رئیس - آقاییکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است پیشنهاد آقای دادگر
(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بماده ۲۵ لایحه اولی که حقوق برای اعضاء انجمن بلدی قائل شده اند بدو رأی گرفته شود

مدرس - آن پیشنهاد را هم بخوانند
رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که آقای دشتی گویا در روزنامه ذفق سرخ بود یا اینجا که گفتند برای جلب نظرات رفقا غالباً تعارف ضرور است الفاظ را تعارف آمیز که بگوئیم صحیح است را بعنوان سزا و پاداش میگیریم. مثلاً بگوئیم عاطفه داشته باشید، لطف داشته باشید، به مملکت خدمت کنید، اینها استجلاب کله (صحیح است) است ولی اتفاقاً خودشان عمل بر خلاف این فرمودند و در فرمایشاتشان تعارف اغلیت داشت فرمودند که بالاخره مردمان هستند که می آیند خدمت میکنند، جدیت میکنند، از این قبیل کلمات داشت در صورتیکه خود ایشان يك مرد عامل مجرب هستند و میدانند قضیه اینطور نیست انجمن آب تقسیم کن ها برای این است که پولش را ندهند برای

این است که بتوانند آب را بین خودشان مفت تقسیم کنند و اگر اینجا هم منظور شخصی مخلوط نباشد عمل قاطعی پیدا نمیشود. بعلاوه يك مسئله دیگری را آقای دشتی چرا آفوه نکردند بنده چون لیدر آن دسته نبودم از آن جهت نخواستم حرف بزنم چون بنای زندگی بنده برابر فقر وستی دناست و اینها نبوده است و انشاءالله بعد هم نخواهد بود ولی اگر بالاخره نباید از فقرا هم در انجمن باشد؟ مگر چاره میدانی نباید نماینده در انجمن داشته باشد و باید اشخاص مستغنی داشته باشند و اشخاص جلیل‌المنکون و جنت مکان بیایند اینجا بنشینند و برای جلب به به و اینها کار نکنند و در آنجا عمل مستغلات و آب و اینهاشان را درست بکنند مگر فقیر چیز نمیخواهد بخورد؟ ما نباید برای آنها باب و دری باز کنیم؟ ما نظرمان این بود که غالباً از بین مردمان فقیر نمایندگان فقیر موظف بیایند حقوق هم بگیرند و کار کنند و بالاخره دلیل هم دارد دلایل را هم عرض میکنم: اگر احیانا ما میخواستیم آن مرد بزرگ خیر خواه را که غالب مطالبش را تنها و منحصرأ برای مملکت اظهار میکنند در نظر بگیریم حقوق کرافی میگفتیم که متناسب باشون او باشد ولی ما اینجا مدد معاش کفایتیم که يك حقوق خفینی به يك فقرائی میدهیم که بیایند حوائج خودشان را آنطوریکه موافق صلاح خودشان است رفع کنند آقای کازرونی مرد باید شریف و اصیل باشد، وقتی میخواهید بیک قضیه کمک بکنید همیشه يك روال باشید این جوری چرا حرف میزنید؟ يك جا آنطرفی هستید يك جا اینطرفی؟ و بالاخره ما معتقد هستیم که تعارف نکنیم در فرمایشات آقای دشتی تعارفش اغلیت داشت ولی ما معتقدیم که حقوق کراف هم ندهیم که ضمیمه شود به قول اشخاصیکه استغنا دارند. حقوق کم بدهیم باشخاصیکه معیشت درست ندارند و میخواهند از این حقوق استفاد کنند آنها بیایند و علاقه داشته باشند که مشقت نوعی و شخصی هر دو تأمین شده باشد بیایند جازماً عامداً کار

بکنند و ما هم از چنین اشخاصی رضایت داریم. مملکت ما قناعت دارد بان اشخاصی که منافع شخصی شان را با مملکتشان توأمأ میخواهند. ما هنوز به آن مرتبه و مقام نرسیده ایم که رجال ما صرفاً برای خاطر افکار عامه بیایند و کارها را اداره کنند. ما هر وقت به این مقام رسیدیم این اسباب خوشنودی است ولی تصدیق بفرمائید که هنوز آنموقع را ادراک نکرده ایم

رئیس -- در خبر اولی هم این شغل را افتخاری و مجانی قرار داده اند اگر میخواهید رأی بگیریم باید پیشنهاد دیگری بفرمائید.

دادگر -- در خبر دوم ماده ۲۴ را عرض میکنم

رئیس -- بخبر دوم -- رأی بگیریم؟

دادگر -- بلی

(ماده بیست و چهار بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲۴ - وکلای انجمن بلدی مطابق نظامنامه مخصوص برای هر جلسه که در انجمن حاضر شوند مدد معاش دریافت خواهند نمود و میزان مجموع مدد معاش وکلای انجمن بلدی در ماه از صدی چهار عایدات خالص ماهیانه بلدیة تجاوز نخواهد کرد مقصود از عایدات خالص مبلغی است که پس از وضع مخارج وصول عایدات باقی میماند

رئیس -- آقای مدرس پیشنهاد کرده اند که صدی دو

باشد چوی کمتر است اول باید به او رأی بگیریم

مدرس -- توضیح بدهم؟

رئیس -- بفرمائید

مدرس -- اگر چه در بعضی مسائل مقتضی نمیدانم صحبت بدارم ولی چون این مسئله به يك اصلی که پیش من اصل است بر خورده لابد پیشنهاد کنم و حرف بزنم. اصل من این است که کار مفتی غلط است. دزدی غلط است. حقوق زیاد هم غلط است چون دیدم با این اصل من منافات دارد لهذا این پیشنهاد

را کردم مکرر مثلی است معروف که اگر يك کسی يك چیزی بیاورد برای آدم میگویی پیش کش. میگویی آقا گران است ارزانتر بدهید. او میگویی پیش کش آورده ام. اما ما میگویی گران است خوبست ارزانتر بدهید. بجهت اینکه پیش کش و هدیه خیلی گران تمام میشود. بمقتضای رعایت این اصل صدی دورا پیشنهاد کردم اعم از اینکه آن منتخب غنی باشد یا فقیر چرا؟ چون مرجعیت خودش يك خرج زیادی دارد. آدم مرجع باشد يك خرج زیادی دارد. ایاب و ذهاب زیادی دارد يك مطالبی اتفاق می افتد که زائد بر خرج خودش است مداخل نبرد دیگر از کیسه خودش چرا باید خرج کند من موافقم با آقای کازرونی که افتخاری باشد. چیزی هم نبرد. اما از جیب خودش هم باید خرج این کار بکنند! عقیده بنده این است که بعد از خراب شدن استبداد هر کس که خودش را قبل وکالت مجلس شورای ملی بداند بر او واجب است قبول کند. اما واجب مفتی که از کیسه خودش نباید خرج بکنند؟ خیر همچو واجبی ما نداریم من حساب کرده منتهای عایدی بلدیة مثلاً در طهران بیست هزار تومان است

بعضی از نمایندگان -- شصت هزار تومان.

مدرس -- عایدی خالصی که در سال دارد. بیست

هزار تومان است

بعضی از نمایندگان -- شصت هزار تومان است

مدرس -- شصت هزار تومان صدی دوش را حساب

کنید چقدر میشود؟ بیست تا وکیل هستند بین این

بیست تا وکیل اگر حساب کنیم يك کمک معاشی

میشود اشتباه نفرمائید معاش کامل هم نیست کمک معاش

است. بین این بیست نفر وکیل که حساب کنید

حقوق نیست ولی انقدر هست که از جیب خودش

ندهد. حالا اگر آقایان موافقت کنند با آن اصلی هم

که پیش من است موافقت خواهند کرد و الا گمان

میکم اگر مفتی خالص باشد بعضی اوقات کراف تمام میشود

وزیر داخله -- عرض کنم در حقیقت همینطور که آقای مدرس فرمودند این يك حقوق کافی نیست که داده میشود این يك رعایتی است که از باب همان تخمبالات و تکلیفات که برای این کار پیدا میشود میبایند و بنده هم با دادن حقوق زیاد مخالفم و همین پیشنهاد آقای مدرس که صدی دو قرار داده اند خیلی خوبست و گمان میکنم کافی باشد دادگر -- بنده هم با نظر آقای مدرس موافقم

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند بخود ماده رأی گرفته شود ولی این مثل این است که حق پیشنهاد را از آقایان وکلا سلب میکنند

بعضی از نمایندگان -- صحیح است

آقا سید یعقوب -- عرض کنم این راجع بیک سابقه

بود که شد به بنده فرمودید چون يك روزی فرمودید

ماده را میشود پیشنهاد کرد و برگرداند بن ماده اولی که بود

و حالا هم این ماده در واقع در اثر پیشنهاد آقای مدرس

برگشت چون يك روز يك چیزی عرض کردم راجع بماده

سابق فرمودید پیشنهاد کنید حالا بنده پیشنهاد کردم

که به همان ماده رأی گرفته شود

رئیس -- عرض کردم که ماده که راجع بخبر کمیسیون

رد شود ماده را که راجع بلایحه دولت است میشود

پیشنهاد کرد ولی این ترتیبی که شما پیشنهاد کرده اید

مثل این است که کسی حق پیشنهاد کردن نداشته باشد

آقا سید یعقوب -- بنده از آن نقطه نظر بود که این

پیشنهاد را کردم

رئیس -- يك فقره پیشنهاد از آقای فیروز آبادی رسیده

که صد يك است

اعتبار -- يك پیشنهاد هم بنده کرده ام راجع بختم جلسه

رئیس -- آقای اعتبار

اعتبار -- بنده طرفدار ختم جلسه نبوده ام و نیستم

ولی این يك موضوعی است که بعقیده بنده باید در

خارج حل شود زیرا بالاخره ممکن است يك جنجال

و هرج و مرج و کشمکشهایی در ولایات پیدا شود

عقیده بنده این است که جلسه ختم شود و در جلسه آتی در اول جلسه این موضوع مطرح شود و در طرف این یکی دو روز در خارج راجع به این قسمت با آقایان و کلابك تصمیمی اتخاذ شود.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم این قضیه بیش از آنچه مقتضی بود در اطرافش حرف زده شد و آقای مدرس سوهان زدند و این مسئله را با آخرین مرحله صرفه جوئی رساندند ما هم با نظر ایشان موافقت کردیم بنده پیشنهاد میکنم که به این قضیه که بالاخره پیش همه ماها معین است و دولت و مخبر هم در این قضیه اظهار موافقت میکنند رأی بگیریم بعد جلسه ختم شود

رئیس -- رأی میگیریم بخت جلسه آقایان موافقین

قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. رأی گرفته میشود به صدی يك که آقای فیروز آبادی پیشنهاد کرده اند. آقای دادگر پیشنهاد کرده بودند صدی چهار. آقای مدرس صدی دو پیشنهاد کردند و آقای فیروز آبادی صدی يك و آن که کمتر است مقدم است. آقای فیروز آبادی کازرونی -- بنده پیشنهاد صدی نیم کرده ام

فیروز آبادی -- بنده آرزویم این بود که بقدری به مملکتان علاقه مند باشیم که بجهت کارهای بزرگ هم مجانی کار کنیم. بجهت مجلس شورای ملی هم مجانی کار کنیم و عقیده ام این نبود که در این مجلس گفتگو شود که اعضاء انجمن بلدی در ماه یکمرتبه نمی نشینند و یکساعت بترتیبات بلدی شان مجاناً رسیدگی کنند و باید حقوق معین کرد و الا کسی نخواهد آمد بنده عرض میکنم اینطور نیست. از خودمان بگذریم مردم علاقه مند به بلدی هستند شما مجانی بگذارید همه خواهند آمد. بعلاوه وقتی که مجانی شد پول خواه ها خودشان را کنار میکشند و مردم هم از روی عقیده اشخاصی را معین میکنند که همیشه

و همه چیز سرشان میشود از مردمان که برعکس آبرومند و عقیف هستند و نمیتوانند با این عناصر مبارزه کنند جلو می افتند. اگر هم اتفاقاً جلو نیفتادند آنهایی که میل دارند قائم مقام آنها بشوند و مدد معاش بگیرند آنقدر آنها را اذیت و آزار می کنند که آنها مجبور میشوند کنار بروند تا آنها میانند و بالاخره اگر هم یکی دو دوره کم و بیش مردمان عقیف وجود داشته باشد در انتخابات تانی ابداً وجود نخواهند داشت بنده عرض میکنم مراجعه کنید بوکلای مدارس در ولایات مردمان شریف آبرومند عمر و وقت و مال خودشان را برای بنای مدرسه و تأسیس آن صرف می کنند و در مقابل آن زحمت هم خسته نمیشوند و همیشه اوقات بنده دیده ام با يك جدیت فوق العاده سر وقت حاضر میشوند و پول برای مدارس تهیه می کنند همینطور ملاحظه بفرمائید انجمنهای ایالتی و ولایتی که در دوره اول و دوم تشکیل پیدا کرده است. در ولایات يك مردمان شرافتمندی هستند که برای وطنشان کار میکنند در هر حال مردم دو قسمت هستند یکی آنهایی که برای شرافت کار میکنند که بنده اطمینان میدهم حاضر است از کیسه اش هم پول بدهد کار کند و بالعکس آنهایی که برای پول کار میکنند اگر مواجب صد تومانیش را به هفتاد و پنج تومان تقلیل بدهیم چون از برای پول از او توقع کرده ایم که صحت عمل بخرج بدهد کار نخواهد کرد. این کار معامله است بنده قطع دارم که اگر برای اعضاء انجمن بلدی حقوق مقرر شود بلدی ها خراب میشوند و عملی هم نخواهد شد

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای کازرونی

کازرونی -- استرداد میکنم.

عمادی -- بازی در آورده ای دو ساعت وقت مجلس را تلف میکنی!

رئیس -- پیشنهاد آقای ملک مدنی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ایالات صدی يك برای حقوق و کلابك انجمن اختصاص داده شود و در ولایات صدی دو جهت و کلابك اختصاص داده شود

رئیس -- بفرمائید.

ملک مدنی -- مقصود بنده از این پیشنهاد تأیید نظریه آقای مدرس بود که فرمودند يك كمك خرجی به آنها داده شود. فرض کنید در طهران شصت هزار تومان عایدی است صدی دوی آن میشود هزار و دویست تومان و بدست و وکیل هم دارد اینها ماهی شصت تومان بهشان میرسد و وقتی ماهی شصت تومان شد يك اشخاص بیکاری این کار را تعقیب میکنند آنوقت این منظور حضرتعالی کاملان نمینمیشود. بنده در این پیشنهاد ذکر کردم که ماهی سی تومان در ایالات باشد و از طبقات کاسب و ناچر انتخاب شوند چون کسانیکه میخواهند برای خودشان کار تهیه کنند میانند سر این کار و تعقیب میکنند و مجال نمیدهند که آن کسانیکه صلاحیت دارند انتخاب شوند در ولایات چنانچه بنده اطلاع دارم حاضر نیستند این صدی دو را هم بگیرند و چون در مرکز و شهرهای بزرگ ممکن است يك مخارجی داشته باشند از این جهت این پیشنهاد را کردم

رئیس -- رأی میگیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد

آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد. پیشنهاد آقای دشتی

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم صدی يك و نیم نوشته شود

رئیس -- بفرمائید

دشتی -- آقای مدرس بیک اصولی معتقد بودند و بر طبق آن اصول این پیشنهاد را کردند و بنده تعجب میکنم که آقای مدرس چرا این پیشنهاد را کردند چون این پیشنهاد مخالف با آن اصول بود و حقیقه از ایشان مستغرب بود

مدرس - من میدانم کسی مفتی کار نمیکند
دستی - میفرمایند آدم نباید مفتی کار کند . بنده
تصدیق می کنم ولی اگر کسی خواست مفتی کار کند
شما میفرمائید نکند؟ ...

مدرس - مانعی ندارد نگیرد
دستی - اجازه فرمائید وقتی شما بول قرار دادید و
حقوق معین کردید آن کسانی که میخواهند مفتی کار کنند نمیآیند
و آن کسانی که میخواهند حقوق بگیرند با احترام میریزند و می آیند
رومی - اینطور نیست

دستی - شما میفرمائید مردم کار میکنند بنده عرض میکنم
که این شیون و شبین ندارد اگر کسی نخواست بدون حقوق کار کند
نمیاید کار کند اینکه ضرر ندارد . اگر کسی بدون
حقوق نخواست نباید در انجمن عضو شود يك چیز دستی
ازش میگیرند؟ و بالاخره وقتی که این مسئله را در
نظر بگیرید در هفته دو ساعت يك کسی میآید برای
شهرش کار کند . بعلاوه این پولی که شما میدهید کافی
برای زندگان او نیست و بالاخره يك کسانی می آیند
وکیل میشوند که محتاج به این پول هم نیستند ولی می
خواهند این کار را وسیله ارتزاق خودشان قرار بدهند
آنوقت پس فردا میگویند کافی نیست و همی زبانش می
کنند . یکی هم این مسئله بود که آقای دادگر فرمودند
آن مسئله متمولین و ملاکین است . گفتند اگر بخواهیم
حقوق معین نکنیم آنوقت متمولین و ملاکین می آیند
عضو آنجا میشوند . این اشتباه است . برای اینکه بقول
خودتان نمی خواهید يك حقوقی معین کنید که برای
زندگانی شخصی باشد بلکه میخواهید مدد معاش بهش
بدهید . خوب مگر متمولی که ماهی پانصد تومان
عایدی دارد بدش می آید که پنجاه تومان هم
بعایداتش اضافه شود؟ و این به تجربه ثابت شده است
که اشخاص متمول حریص ترند و بیشتر میخواهند پول
بگیرند . میگویند فقیر را چه يك نان بهش بدهی و چه
ازش بگیری فرقی نمیکند . تازه ملاکینی هم که بیایند

عضو انجمن بلدی شونچه می شود؟ مگر ما الزامی داریم که ملاک
نباید عضو انجمن بلدی بشود ملاک هم بیاید . چه اهمیتی
دارد که یکنفر صاحب مستغلات عضو انجمن بلدی بشود
در صورتیکه او بهتر در نظیف شهر جدید میکند . ما
چه اصراری داریم که ملاک نیاید؟ علاوه بر همه اینها
يك نکته را آقای کارزون گفتند که آقایان توجه نکردند
آن مسئله این است که گفتند انتخابات خراب میشود
بنده اگر طمع به پول داشته باشم وقتی دیدم اینجا
صخبت پول نیست دنبال انتخابات میروم . اگر میل
داشتم که شهرها خوبی پاکیزه و منور بشود دنبال این
انتخابات میروم . الان از نماینده بندر پهلوی پرسیدم
گفتند که اعضاء انجمن بندر پهلوی حقوق نمیگیرند و
خوب هم کار میکنند اعضاء انجمن بلدی بوشهر هم حقوق
از جایی نمیگیرند و سر وقت در جلساتشان
مرتباً حاضر میشوند . اینها يك چیز هائی است که
تجربه شده است . پول مردم را خراب می کنند نه
بی پولی

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای دستي
آقایان موافقین قیام فرمایند

(دو سه نفر برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . رأی گرفته می شود
به پیشنهاد آقای مدرس آقایان که موافقند قیام
فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد

دستی - رأی بگیرید باصل ماده کمیسیون

رئیس - باز هم پیشنهاد هست

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۴ - خدمت وکلاء انجمن بلدی اختیاری
و مجانی خواهد بود ولی در موقعی که يك یا چند نفر
از وکلا تقاضای مدد معاش نمایند پس از تصویب انجمن
بلدی و موافقت وزارت داخله پرداخته خواهد شد

تبصره - مدد معاش مزبور که در بودجه بلديه
منظور خواهد شد نباید از صدی دو مجموع عایدات
بلدی تجاوز نماید شریعت زاده

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موضوعی که در مجلس فعلاً مطرح
شد البته اگر يك قدری دقت شود یکموضوع نظری است
و دلائل زیادی نسبت به اظهارات هر يك از طرفین
میشود اقامه کرد . ولی بنظر بنده اگر مختصر دقتی از
نقطه نظر اوضاع اجتماعی حتی در جا هائی که بلديه
وجود دارد بشود می بینید که يك عده از اشخاص
معروف و مصلح و بالاخره طرف خورچه همیشه در هر
جریانی ولو اینکه بلديه باشد یا نباشد بکسمت از سنگینیها
را بردوش دارند . یعنی مردم در تمام قضایا و احتیاجات بانها
مراجعه میکنند در ادوار تجدد قوانین آمده است این اصول
را تحت نظیم در آورده و گفته است يك مؤسسه ملی باشد
که این احتیاجات عمومی . بجای اینکه تقسیم شود بر دوش
اشخاصیکه طرف احتیاج و اطمینان هستند آن مؤسسه
ملی انجام دهد و حوائج آنها را رفع کند به این
علت آمده اند قانون بلدی و مؤسسات بلدی را ایجاد
کرده اند . بنده کمتر دیده ام که وکلاء بلدی در یکجائی
حقوق داشته باشند و علتش این است که همان اشخاص
بدون اینکه در این مؤسسه باشند دچار این زحمت هستند و از
این نقطه نظر حقوق هم نمیگیرند . حالا که احتیاجات و
وضعیات مملکت ما اقتضا میکنند بنده از آقایانی که
طرفدار حقوق گرفتن هستند تمنا میکنم این را اختیاری
کنند که اگر یکعده اشخاصی میل دارند حقوق بگیرند
خودشان تقاضا کنند . البته آقایان خواهند فرمود که
این مسئله نسبت به آنها توهین است که يك چنین
تقاضائی بکنند . بنظر بنده این حرف حرف موجهی
نیست - برای اینکه آن کسی که احتیاج دارد اگر
مطابق يك قانونی از خزانه مملکتی که در آنجا حق
زندگانی دارد استفاده نماید هیچ عیب و خجالتی ندارد

برعکس جریانات دیگری که هیچ مناسب با این وضعیت
نیست آنها بد و خجالت آور است . از این نقطه نظر
بنده این جا تعدیل کردم نظر آقایان نمایندگان را که اساساً
خدمت در انجمن بلديه افتخاری باشد ولی اگر بعضی
از آنها تشخیص دادند که محتاجند تقاضا کنند
از انجمن و انجمن هم موافقت کند و بعد از تصویب
بانها پرداخته شود و این مبلغ مدد معاش هم مجموعش
بیش از صدی دو عایدات بلديه هر محلی نباید باشد و تصور
میکم که این بهتر باشد و اگر بشود همان بجای باشد بهتر است .

رئیس - آقای شیخ بیات

حاج شیخ بیات - بنده در موقعی که پیشنهاد آقای
دادگر مطرح شد اجازه خواستم عریضی عرض کنم اولاً
آقای شریعت زاده هم موافق بودند با مجانی بودن و قسمت
بیاناتشان دلیل بود که خدمت انجمن بلدی مجانی باشد
ولی آقای دادگر این جا يك فرمایشانی فرمودند فرمودند
شغل مردم یعنی کار عمومی جامعه ما امروز روی استفاده
است چون تحصیلات نکرده ایم از این جهت هنوز ما عادت
نکرده ایم کار مجانی کنیم . . .

دادگر - شما میفرمائید بنده نگفتم

حاج شیخ بیات - بنده عرض میکنم که اگر مردم
هم عادت نکرده اند ما باید سوقشان بدهیم که کار مجانی
برای جامعه بکنند چون کار عمومی اگر مجانی شد انسان
خوب کار میکند ولی اگر در مقابل پول کاری بشود
کار خوب و اساسی نیست این جا آقای شریعت زاده
فرمودند اگر يك اشخاصی تقاضا کردند که يك حقوقی
بهشان داده شود ، در آخر ماده شان اینطور پیشنهاد
کرده بودند تا مبلغ صدی دو اجازه داشته باشد بلديه
که بانها پیردازد گمان می کنم با آن قسمت اول ماده
همه آقایان موافقت داشته باشند که قسمت مجانی بودنش
است ولی با قسمت دومش همه آقایان مخالف هستند
برای اینکه اگر يك کسی دید فرصت ندارد ضعف
مزاج دارد و نمیتواند این خدمت را انجام دهد استعفا

قانون

بر فراری پانصد و شصت تومان مستمری در حق علماء ساوجبلاغ عوض عشریه سیزده فقره قراء و مزارع
مصوب ۳۰ شهریور ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است معادل پانصد و شصت تومان در سال در عوض عشریه سیزده فقره
قراء و مزارع در بافتی علماء ساوجبلاغ از قرار جزء ذیل :

قران ۱۷۶۴

" ۱۳۷۹

" ۱۰۷۱

" ۱۳۸۶

جمع ۵۶۰۰

ملا احمد و ملا نجم الدین و ملا عبد الرحمن بالتساوی

ملا عبد الله و ملا عبد القادر بالتناصفه

ملا علی مفتی

ملا محمد مدرس و ملا احمد بالتناصفه

بعنوان مستمری از ابتدای سال ۱۳۰۶ مادام الحیات از اعتبار شهریه و مستمریات در حق آقایان علماء
ساوجبلاغ مذکوره فوق بر قرار نموده و همه ساله بنرخ تومانی یکتومان پرداخت نماید
اینقانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه سی ام شهریور ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس

شورای ملی رسید

حسین پیرنیا : رئیس مجلس شورای ملی

قانون

بر فراری پانصد و شصت تومان مستمری در حق علماء ساوجبلاغ عوض عشریه سیزده فقره قراء و مزارع
مصوب ۳۰ شهریور ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است معادل پانصد و شصت تومان در سال در عوض عشریه سیزده فقره
قراء و مزارع در بافتی علماء ساوجبلاغ از قرار جزء ذیل :

قران ۱۷۶۴

" ۱۳۷۹

" ۱۰۷۱

" ۱۳۸۶

جمع ۵۶۰۰

ملا احمد و ملا نجم الدین و ملا عبد الرحمن بالتساوی

ملا عبد الله و ملا عبد القادر بالتناصفه

ملا علی مفتی

ملا محمد مدرس و ملا احمد بالتناصفه

بعنوان مستمری از ابتدای سال ۱۳۰۶ مادام الحیات از اعتبار شهریه و مستمریات در حق آقایان علماء
ساوجبلاغ مذکوره فوق بر قرار نموده و همه ساله بنرخ تومانی یکتومان پرداخت نماید
اینقانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه سی ام شهریور ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس

شورای ملی رسید

حسین پیرنیا : رئیس مجلس شورای ملی

تجزیه می کنم

دادگر - عقیده بنده را سوء تعبیر کردند اجازه
توضیح میخواهم

رئیس - آقای پور تیمور پیشنهاد کرده اند جلسه
ختم شود...

دادگر - مطابق نظامنامه بنده میخواهم توضیح بدهم
چون آقا کلمات بنده را بد تعبیر کردند و يك حقى از
من فوت میشود

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه مقدم است آقایانیکه
تصویب می کنند جلسه ختم شود قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است بقیه مذاکرات مبنای
روز یکشنبه

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

میدهد که يك کس دیگر بیاید خدمت او را بکند
بعلاوه اساساً انجمن بلدیه مگر چقدر کار دارد؟ اگر
يك کار مهمی بود که مخالفت داشت با صنعتها و شغل
هاي دیگر آنوقت ممکن بود که بگوئیم حقوق بگیرند
ولی انجمن بلدی در ماه دو مرتبه یا هفته يك مرتبه
تشکیل میشود. الان همین احزانی که تأسیس میشود
و افرادی که دور يك حزب جمع میشوند هر هفته مرتباً
میروند و حاضر میشوند و يك چیزی هم دستی میدهند
بلدیه که از حزب کمتر نیست. پانزده روز يك مرتبه
میروند يك کار هائی میکنند و بنده معتقدم که اگر
یکشاهی برای اعضاء انجمن بلدی قائل بحقوق شویم این
کم کم صد تومان و هزار تومان میشود و خطرش برای
ما بیشتر است از این حجه بنده این پیشنهاد را تقاضای
(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)